

فرزندآوری و افزایش جمعیت از منظر آیات قرآن کریم^۱

سجاد اسحاقی مسکونی^۲، سلمان اسحاقی مسکونی^۳ و محمد کریمی درچه^۴

چکیده:

فرزندآوری و افزایش رشد جمعیت یکی از مقوله‌های مهمی است که مورد تأکید عالمان ربانی و متخصصان جمعیت قرار گرفته است و آن را یکی از ضروری‌ترین و مهمترین مولفه‌های قدرت جمهوری اسلامی به حساب می‌آورند. قرآن کریم نیز به این امر مهم در آیات متعددی اشاره و آن را تأیید کرده است. روش پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی است که در نظر دارد از منظر قرآن کریم فرزندآوری را تحلیل نماید. هدف از پژوهش تبیین اهمیت فرزندآوری به ویژه در عصر حاضر و اثبات ممدوح بودن فرزندآوری در همه زمان‌ها را دارد. از نتایج پژوهش حاضر این است که ۲۴ آیه قرآن در ۶ دسته موضوعی به صورت مستقیم و غیر مستقیم به فرزندآوری و ممدوح بودن آن در همه برهه‌های زمان اشاره کرده است. نگارنده بر این باور است که فرزندآوری همواره ممدوح و هیچ موقع مذموم نبوده و نخواهد بود.

واژگان کلیدی: فرزندآوری، افزایش جمعیت، قرآن کریم، جمعیت

۱- این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی فرزندآوری و افزایش جمعیت از منظر قرآن کریم برای معاونت تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی جیرفت است.

۲- کارشناسی‌ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

۴- کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم

مقدمه:

در اواخر دهه ۶۰ سیاست‌های کنترل فرزندآوری و جمعیت اتخاذ و شعار فرزند کمتر زندگی بهتر رونق گرفته بود، ولی در سال‌های اخیر فرزندآوری و افزایش رشد جمعیت یکی از مقوله‌های مهمی است که مورد تأکید عالمان ربانی و متخصصان جمعیت قرار گرفته است و آن را یکی از ضروری‌ترین و مهمترین مولفه‌های قدرت جمهوری اسلامی به حساب می‌آورند. پرسش مهمی که وجود دارد این است که آیا در قرآن کریم به فرزندآوری و افزایش جمعیت اشاره‌ای شده است؟ و آیا افزایش جمعیت به طور مطلق در همه زمان‌ها ممدوح است یا مذموم؟ و آیا افزایش جمعیت امری نسبی است و در هر برهه‌ای از زمان با توجه به وضعیت اقتصادی، آموزشی و فرهنگی و... تغییر می‌کند؟ مقاله حاضر در نظر دارد اشارات مستقیم و غیرمستقیم آیات قرآن به فرزندآوری را بررسی نماید و همچنین نسبی یا مطلق بودن فرزندآوری و افزایش جمعیت را بررسی نماید؟ در رابطه با این موضوع تحقیقاتی انجام گرفته ولی دسته‌بندی و انسجام آیات در آن پژوهش‌ها به چشم نمی‌خورد. در این مقاله ۶ گروه از آیات قرآن کریم که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به افزایش جمعیت اشاره و آن را تأیید می‌کند، را بررسی خواهیم کرد. این ۶ گروه عبارتند از:

۱- آیاتی که فقر و بی‌بضاعتی افراد را مانع داشتن فرزند نمی‌داند.

۲- آیاتی که پیامبران الهی از خداوند طلب فرزند می‌کنند.

۳- آیاتی که فرزندان را مایه قدرت و اقتدار می‌داند.

۴- آیاتی که فرزندان را موهبتی الهی برای والدین می‌داند.

۵- آیاتی که بیانگر این نکته است که خداوند رزاق است نه انسانها.

۶- آیاتی که تأکید بر فراهم شدن زمینه ازدواج و فرزنددار شدن دارد.

گروه اول- آیاتی که فقر و بی‌بضاعتی افراد را مانع داشتن فرزند نمی‌داند

امروزه یکی از مشکلات اساسی جامعه ما مشکلات اقتصادی است و به بهانه این مشکل افرادی از فرزندآوری خودداری و حتی گاهی برخی افراد به سقط جنین روی می‌آورند، در حالی که قرآن کریم تضمین کرده است که خداوند به همه انسان‌ها روزی خواهد داد و ترس از معیشت و روزی فرزند نباید مانع فرزندآوری و افزایش جمعیت شود؛ نمونه‌هایی از این آیات را در این قسمت از مقاله بررسی می‌کنیم.

1- **سوره اسراء، آیه ۳۱؛ «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمَّا لَقِیْ نَحْنُ نَرِزُقُهُمْ وَإِیَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانْ خَطَاً کَبِیْرًا؛** فرزندان خود را از بیم تنگدستی نکشید. این ما هستیم که آنان و شما را روزی می‌دهیم. یقیناً کشتن آنان گناهی است بزرگ».

و معنای آیه این است که فرزندان خود را از ترس این که مبدا دچار فقر و هلاکت شوید و به خاطر ایشان تن به ذلت گدایی دهید، به قتل نرسانید (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۱۱۶).

قابل توجه اینکه ما از این جنایت زشت و ننگین وحشت می‌کنیم، در حالیکه همین جنایت در شکل دیگری در عصر ما و حتی به اصطلاح در مرفعی‌ترین جوامع انجام گیرد و آن اقدام به سقط جنین در مقیاس بسیار وسیع به خاطر جلوگیری از افزایش جمعیت و کمبودهای اقتصادی است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۰۳-۱۰۲).

آیه مبنی بر تهدید است که آفریدگار سلسله بشر را آفریده و همه را نیز روزی می‌دهد. روزی و رفع نیازهای بشر بسیار و بشمار است و انحصار به مواد غذایی ندارد. همچنانکه پدران را روزی می‌دهد و از مرگ رهائی می‌بخشد، فرزندان شما را نیز پروردگار کفالت فرموده و همه یکسان بر سر خوان نعمت او نشسته و همه گونه نیازها را هر لحظه در دسترس بشر می‌گذارد (حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۱۰، ص ۵۷).

این آیه، سیمای نابسامان اقتصاد دوران جاهلیت را نشان می‌دهد. امروز هم که دنیا به خاطر نگرانی از افزایش جمعیت و کمبودهای اقتصادی، سقط جنین را مجاز می‌داند، گرفتار نوعی جاهلیت شده است. (قرائتی، تفسیر نور، ج ۵، ص ۵۲)

۲-سوره انعام، آیه ۱۵۱؛ «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطْنٌ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛ بگو: «بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است، برایتان بخوانم؛ اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید! و به پدر و مادر نیکی کنید! و فرزندان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را روزی می‌دهیم؛ و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان! و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر بحق (و از روی استحقاق)؛ این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید».

منطق شما در فرزندکشی جز این نیست که نمی‌توانید روزی و هزینه زندگی آنان را فراهم نمایید، و این خود منطقی است غلط، برای اینکه این شما نیستید که روزی فرزندان را فراهم می‌کنید، بلکه خدای تعالی است که روزی ایشان و خود شما را می‌دهد، پس شما چرا می‌ترسید و از ترس، آنان را به دست خود از بین می‌برید؟ (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۵۱۶).

از این آیات برمی‌آید که عرب‌های دوران جاهلی نه تنها دختران خویش را به خاطر تعصب‌های غلط زنده به گور می‌کردند، بلکه پسران را که سرمایه بزرگی در جامعه آن روز محسوب می‌شد، نیز از ترس فقر و تنگدستی به قتل می‌رسانیدند. خداوند در این آیه، آنها را به خوان گسترده نعمت پروردگار که ضعیف‌ترین موجودات نیز از آن روزی می‌برند، توجه داده و از این کار باز می‌دارد. با نهایت تاسف این عمل جاهلی در عصر و زمان ما در شکل دیگری تکرار می‌شود و به عنوان کمبود احتمالی مواد غذایی روی زمین، کودکان بی‌گناه در عالم جنینی از طریق "کورتاژ" به قتل می‌رسند. گرچه امروز برای سقط جنین دلائل بی‌اساس دیگری نیز ذکر می‌کنند، ولی مساله فقر و کمبود مواد غذایی یکی از دلائل عمده آن است. این‌ها و مسائل

دیگری شبیه به آن، نشان می‌دهد که عصر جاهلیت در زمان ما به شکل دیگری تکرار می‌شود و "جاهلیت قرن بیستم" حتی در جهانی وحشتناک‌تر و گسترده‌تر از جاهلیت قبل از اسلام است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۳۳-۳۲)

فرزندکشی و سقط جنین از ترس فقر، عملی جاهلانه است، اگر خدا ضامن روزی است، چه ترسی از فقر؟ (قرائتی، تفسیر نور، ج ۲، ص، ۵۸۲)

۳- **سوره ذاریات، آیه ۵۸-۵۶:** «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ - مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ - إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ؛ و جن و انس را نیافریدم، مگر برای آنکه مرا عبادت کنند و من از آنان هیچ رزقی نمی‌خواهم و نمی‌خواهم که به من طعام دهند، زیرا خداوند است آن روزی رسان نیرومند استوار».

در تفسیر نور آمده است: خداوند در توان روزی‌رسانی کمبودی ندارد. «هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ» و با گذشت زمان، قدرت روزی‌رسانی خداوند کم‌رنگ نمی‌شود. «الْمَتِينُ» (قرائتی، تفسیر نور، ج ۹، ص ۲۷۰)

بنابر این آیه، روشن است که خداوند در توان روزی‌رسانی کمبودی ندارد و همیشه روزی‌رسان افراد خواهد بود و بهانه اقتصادی و فقر نمی‌تواند مانع فرزندآوری شود. وقتی خداوند رزاق است و روزی‌رسانی او به بندگانش کم‌رنگ نمی‌شود، روشن است که فرزندآوری همیشه ممدوح بوده و هست.

۴- **سوره تکویر، آیه ۹-۸:** «وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ؛ و هنگامی که از دختران زنده به گور شده باز پرسند که به کدامین گناه کشته شدید».

عامل پیدایش زنده به گور کردن دختران امور مختلفی بوده است از جمله: عدم ارزش زن به عنوان یک انسان در جامعه جاهلی؛ مساله فقر شدید که بر آن جامعه حاکم بوده، مخصوصاً با توجه به اینکه دختران همانند پسران قادر بر تولید اقتصادی نبودند و در غارتگری‌ها شرکت نداشتند. همچنین این فکر که در جنگ‌های فراوان قبیله‌ای آن روز، ممکن بود دختران به اسارت در آیند و به اصطلاح نوامیس آنها به دست بیگانگان بیفتد و از این راه لکه‌نگی بر دامانشان بنشیند، در این کار بی‌اثر نبود. این عوامل چندگانه دست به دست هم داد و پدیده وحشتناک "واد" و زنده به گور کردن دختران را به وجود آورده بود. با نهایت تاسف این مساله به اشکال دیگری در جاهلیت قرون اخیر نیز خودنمایی می‌کند، در شکل آزادی سقط جنین که به صورت قانونی در بسیاری از کشورهای به اصطلاح متمدن رواج یافته، اگر عرب جاهلی بعد از تولد، نوزادان را می‌کشت، انسانهای متمدن عصر ما آن را در شکم مادر می‌کشند! (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۱۷۸)

یکی از دلایل اصلی زنده به گور کردن دختران، مسئله فقر و معیشت ضعیف بوده است که قرآن کریم آن را نکوهش کرده است. از این آیه روشن می‌شود که فقر و نداشتن امکانات نمی‌تواند مانع فرزندآوری و حتی سقط جنین شود.

۵-سوره نحل، آیه ۵۹-۵۸: «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ - يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أُمُّ يُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» و هرگاه یکی از آن مشرکان به دختردار شدن بشارت داده شود، صورتش از غصه سیاه می‌شود (بخاطر اینکه دختر برایشان سربار بود و از نظر اقتصادی توان کار و تولید نداشت، نمی‌توانست کمک خرجشان باشد)، در حالیکه خشم خود را فرو می‌برد. بخاطر بشارت تلخی که به او داده شده، از میان مردم متواری می‌شود (درمانده است که) آیا این دختر را همراه با ننگ و خفت نگاه دارد یا او را در خاک پنهان کند. بدانید که چه بد قضاوت می‌کنند.

عقاید انحرافی و خرافی دختر را مایه ننگ خود می‌دانست و همین عقاید انحرافی تهدید بزرگی برای خانواده و نسل آدمی است. بنابراین قرآن کریم این اعتقاد باطل را به شدت محکوم کرده است. در تفسیر نور آمده است: «دختر نقش اقتصادی و تولیدی نداشته و بار زندگی بوده است.» (قرائتی، تفسیر نور، ج ۴، ص ۵۳۶)

بر خلاف تفکر جاهلی، اسلام برای دختر، ارزش زیادی قائل شده است؛ پیامبر اسلام می‌فرماید: نعم الولد البنات؛ دختران چه فرزندان خوبی هستند (مجلسی، بحار، ج ۱۰۴، ص ۹۴). خداوند نیز نسل پیامبر را از دخترش فاطمه زهرا سلام الله علیها قرار داده است. بر اساس آیات فوق الذکر، پر واضح است که مشکلات اقتصادی به هیچ وجه مانع فرزندآوری نیست و خداوند صریحاً اعلام کرده است که روزی‌رسان بندگان خود خواهد بود؛ البته این مطلب نیز منافاتی ندارد با این که دولت اسلامی نیز باید تمام تلاش خود را در جهت رفع مشکلات اقتصادی انجام دهد و موجبات فرزندآوری بیشتر را فراهم نماید.

گروه دوم: آیاتی که پیامبران الهی از خداوند طلب فرزند می‌کنند.

دسته دیگری از آیاتی که به فرزندآوری اشاره دارد و آن را تایید می‌کند، آیاتی است که پیامبران الهی از خداوند طلب فرزند کرده‌اند؛ در اینجا به این آیات اشاره خواهیم کرد.

۱-سوره صافات، آیه ۱۰۱-۱۰۰: «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ-فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ؛ پروردگارا! (فرزندی) از گروه صالحان به من ببخش. پس ما او را به نوجوانی بردبار مژده دادیم»

در این آیات حضرت ابراهیم از خداوند تقاضای فرزند صالح می‌کند. فرزندی که بتواند خط رسالت او را تداوم بخشد و برنامه‌های نیمه تمامش را به پایان برساند، اینجا بود که عرض کرد: "پروردگارا! به من از فرزندان صالح ببخش" (رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ). چه تعبیر جالبی "فرزند صالح و شایسته"، شایسته از نظر اعتقاد و ایمان، شایسته از نظر گفتار و عمل، و شایسته از تمام جهات. خداوند نیز این دعا را مستجاب کرد و فرزندان

صالحی همچون "اسماعیل" و "اسحاق" به او مرحمت فرمود (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۰۴).

۲-سوره اعراف، آیه ۱۸۹؛ «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ او خدایی است که شما را از یک نفس (جان) آفرید و همسرش را از (نوع) او قرار داد تا بدان آرام گیرد. پس چون با او بیامیخت، آن دو (زن و شوهر) از خداوند، درخواست کرده (و گفتند): که اگر فرزند شایسته‌ای به ما بدهی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود».

در این آیه حضرت آدم و حوا از خداوند فرزند صالحی خواستند؛ در تفسیر مجمع البیان آمده است: «آدم و حوا، هر دو از خداوند درخواست کردند که اگر به ما فرزندی صالح و بقولی نسلی صالح و سالم عطا کنی، در برابر این نعمت تو را شکرگزاری خواهیم کرد» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه ستوده، ج ۱۰، ص ۱۳۴).

۳-سوره انبیاء، آیه ۸۴-۸۳؛ «وَإِیُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ- فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ؛ و (بیاد آور) ایوب را آن زمان که پروردگارش را ندا داد که همانا به من آسیب رسیده و تو مهربانترین مهربانانی. پس (دعای) او را مستجاب کردیم و سختی او را برداشتیم و خاندانش را به او باز گردانیدیم و همانندشان را (نیز) با ایشان (همراه کردیم تا هم) رحمتی از سوی ما (به او) باشد و هم یادآوری) و پند و تذکری برای عبادت کنندگان».

در تفسیر نمونه آمده است: «در تفسیر جمله "آتیناهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ"، معروف میان مفسرین این است که خداوند، فرزندان او را به حیات نخست بازگردانید و علاوه بر آن فرزندان دیگری نیز به او داد. بعضی نیز احتمال داده‌اند که خداوند فرزندان تازه و نوه‌هایی به ایوب داد که جای خالی فرزندان از دست رفته‌اش را پر کردند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۸۱)

۴-سوره انبیاء، آیه ۹۰-۸۹؛ «وَ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ- فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ يَدْعُونَنَا رَغَبًا وَ رَهَبًا وَ كَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ؛ و زکریّا (را یاد کن) آنگاه که پروردگارش را ندا داد: پروردگارا! مرا تنها مگذار و (فرزندی به عنوان وارث به من عطا فرما و البته که) تو خود، بهترین وارثان هستی. پس (دعای) او را مستجاب کردیم و یحیی را به او بخشیدیم، و همسرش را (که نازا بود) برای او شایسته قرار دادیم (و این بخاطر آن بود که) همانا آنان در کارهای نیک، شتاب داشتند و ما را از روی امید و بیم می‌خواندند و در برابر ما فروتن بودند».

فرزند، عطیه الهی است. «وَوَهَبْنَا لَهُ يُحْيِي» و انسان می تواند از طریق دعا نازائی را اصلاح کند. «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ وَهَبْنَا لَهُ» (قرآنی، تفسیر نور، ج ۵، ص ۴۹۰).
 فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ وَهَبْنَا لَهُ يُحْيِي: دعایش را مستجاب کردیم و یحیی را به او بخشیدیم. حارث بن مغیره به امام صادق (ع) عرض می کند: من از خانواده ای هستم که منقرض شده اند و فرزندی ندارم، فرمود: در سجده بخوان «رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» گوید: اینکار را کردم و خدا علی و حسین را بمن داد. (طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه ستوده، ج ۱۶، ص ۱۵۸).

۵- سوره مریم، آیه ۹-۴؛ « قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَ اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا - وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَ كَانَتْ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا - يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا - يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا - قَالَ رَبِّ إِنِّي كُنُّ لِي غُلَامٌ وَ كَانَتْ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَ قَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا؛ (زکریا) گفت: پروردگارا! همانا استخوانم سست شده و (موی) سرم از شعله پیری، سفید شده است و پروردگارا! من هرگز در دعای تو (از اجابت) محروم نبوده ام. و همانا من برای پس از (مرگ) خود، از بستگانم بیمناکم و همسرم نازا بوده است، پس از جانب خود جانشینی (فرزندی) به من عطا فرما. خداوند! به من جانشینی عطا کن که وارث من و دودمان یعقوب باشد و پروردگارا! او را پسندیده قرار ده. خداوند فرمود: ای زکریا! ما تو را بشارت می دهیم به پسری که نامش یحیی است و قبلاً همنامی برای او قرار نداده ایم. زکریا) گفت: پروردگارا! چگونه برای من پسری باشد، در حالیکه همسرم نازاست و من از پیری، ناتوان شده ام؟».

در تفسیر المیزان آمده است: « فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا، این همان دعائی است که گفتیم برای ادای آن زمینه چینی کرد و در آن موهبت الهی را که درخواست کرد، مقید به قید " مِنْ لَدُنْكَ " نمود، چون از اسباب عادی مایوس شده بود. یکی از اسباب عادی که در اختیار او و هر فرد دیگری است، استعداد شوهر است که آن جناب این استعداد را به خاطر پیری از دست داده بود. یکی دیگر استعداد همسر است برای باردار شدن که وی این را هم نداشت، زیرا همسرش در جوانی عاقر بود تا چه رسد به امروز که پیری سالخورده شده. » (طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۴، ص ۹).

۶- سوره حجر، آیه ۵۶-۵۳؛ « قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ - قَالَ أَ بَشَّرْتُمُونِي عَلَى أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ تَبَشِّرُونَ - قَالُوا بَشِّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقَانِطِينَ - قَالَ وَ مَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ؛ گفتند: مترس که ما تو را به فرزند دانا مژده می دهیم. ابراهیم گفت: آیا با

اینکه پیری به من رسیده، مرا چنین بشارتی می‌دهید؟ پس به چه چیز (عجیبی) بشارت می‌دهید. (مهمانان) گفتند: ما تو را به حقیقت بشارت دادیم، پس از ناامیدان مباش!». در تفسیر نمونه آمده است: «ابراهیم به خوبی می‌دانست که از نظر موازین طبیعی تولد چنین فرزندی از او بسیار بعید است، هر چند در برابر قدرت خدا هیچ چیزی محال نیست، ولی توجه به موازین عادی و طبیعی تعجب او را برانگیخت، لذا" گفت: آیا چنین بشارتی به من می‌دهید در حالیکه من به سن پیری رسیده‌ام؟! (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۰۰) درخواست پیامبران الهی از خداوند برای فرزنددار شدن مویدی بر ارزش فرزندآوری و اهمیت ویژه آن است که حتی پیامبران از خداوند طلب می‌کنند و علاوه بر آن دعای برای صالح شدن فرزند نیز قابل توجه است و نشان می‌دهد که فرزندآوری همیشه ممدوح است، حتی در پیری و ناتوانی جسمی نیز فرزندآوری مهم و ناتوانی نمی‌تواند بهانه‌ای برای ترک فرزندآوری گردد.

گروه سوم: آیاتی که فرزندان را مایه قدرت و اقتدار می‌داند

دسته دیگری از آیات اشاره به این مطلب دارد که فرزندان مایه قدرت و اقتدار هستند، لذا این مطلب نیز تأییدی بر فرزندآوری به شمار می‌آید که به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد:

۱- **سوره نوح، آیه ۱۲**: «و يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارٌ؛ و شما را با اموال و فرزندان یاری می‌کند و برای شما (از همان آب باران) باغ‌ها قرار می‌دهد و برای شما نهرها جاری می‌سازد».

کلمه " امداد" به معنای رساندن مدد به دنبال مدد دیگر است و مدد به معنای هر چیزی است که آدمی را در رسیدن به حاجتش کمک کند و اموال و فرزندان نزدیک‌ترین کمک‌های ابتدایی برای رسیدن جامعه انسانی به هدفهای خویش است. (طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۲۰، ص ۴۵).

۲- **سوره توبه، آیه ۶۹**: « الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَ خُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ (حال شما منافقان) همچون کسانی است که پیش از شما بودند، (با آنکه) آنان نیرومندتر از شما و ثروت‌مندتر و صاحب فرزندان بیشتری بودند، پس آنان از نصیبشان بهره‌مند شدند، شما نیز همان‌گونه که پیشینیان شما متمتع شدند، بهره خود را بردید و (در روش باطل خود) فرو رفتید، چنانکه آنان فرو رفتند. آنها اعمالشان در دنیا و آخرت محو شد و آنان همان زیانکارانند».

همان‌ها (منافقان) که از نظر نیرو از شما قویتر و از نظر اموال و فرزندان از شما افزونتر بودند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۲). در این آیه فرزندان را مایه اقتدار و نیرومندی دانسته است و این اشاره به فرزندآوری دارد و آن را نفی نمی‌کند.

گروه چهارم: آیاتی که فرزندان را موهبتی الهی برای والدین می‌داند

دسته دیگری از آیات به این نکته اشاره دارد که فرزندان نعمت‌ها و مواهب الهی هستند. لذا فرزندآوری موهبتی از سوی خدا است که برکات زیادی را برای انسان رقم خواهد زد و فرزندان کمک کار والدین خواهند شد و از لحاظ اقتصادی و فکری و ... برای والدین مفید واقع خواهند شد.

۱- **سوره انعام، آیه ۸۴:** « وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَ نوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ و ما به او (ابراهیم)، اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و یکایک آنان را هدایت کردیم و نوح را پیش از آنان هدایت کرده بودیم. و از نسل او (ابراهیم)، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (نیز هدایت کردیم) و ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم».

در این آیات به قسمتی از مواهبی که خداوند به ابراهیم داده است اشاره شده، و آن موهبت فرزندان صالح و نسل لایق و برومند است که یکی از بزرگترین مواهب الهی محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۲۴).

۲- **سوره نحل، آیه ۷۲:** « اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ خَفَذَةً وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَلَيْسَ بِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ؛ و خداوند از جنس خودتان همسرانی برایتان قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوادگانی قرار داد و از پاکیزه‌ها شما را روزی داد، پس آیا (باز هم) به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت الهی کفر می‌ورزند؟».

و معنای آیه این است که: خداوند برای شما از همسرانتان فرزندان و یاورانی قرار داد که به خدمت آنان در حوائجتان استعانت بکنید و با دست آنان مکاره و ناملایمات را از خود دور سازید. (طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۲، ص ۴۳۱).

۳- **سوره انبیاء، آیه ۷۲-۷۱:** « وَ نَجَّيْنَاهُ وَ لُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ - وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ؛ و ما، او (ابراهیم) و لوط را (از شرّ کافران) به سرزمینی که در آنجا برای همه جهانیان برکت نهادیم، نجات دادیم. و به او (ابراهیم) اسحاق و یعقوب را به عنوان نعمتی افزون بخشیدیم و همه را از صالحان قرار دادیم».

همسر و فرزند، از نعمت‌های الهی است؛ همسر وسیله آرامش و فرزند مایه امید است (قرائتی، تفسیر نور، ج ۴، ص ۵۵۲).

لذا باتوجه به اینکه فرزندان مایه اقتدار و نیرومندی هستند، لذا روشن است که هر انسان عاقلی به دنبال نیرومندی خواهد بود و در نتیجه فرزندآوری ممدوح است و هیچ موقع مذموم شناخته نمی‌شود.

گروه پنجم: آیاتی که بیانگر این نکته است که خداوند رزاق است نه انسانها

دسته دیگری از آیات به این نکته اشاره دارد که رزاقیت از آن خداست نه از بندگان و خداوند به همه بندگان خود روزی خواهد داد و همه انسان‌ها را تأمین خواهد کرد، لذا بهانه‌ای برای عدم فرزندآوری وجود ندارد و رزق و روزی آنان را خداوند حکیم و شنوا تأمین و تضمین کرده است. ۱- **سوره عنکبوت، آیه ۶۰**: «وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رَزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» و چه بسا جنبنده‌ای که نمی‌تواند روزی خود را تأمین کند، خداست که به او و به شما روزی می‌دهد و اوست شنوای دانا».

برای خداوند، رزق دادن به جنبنده‌های ناتوان و انسان‌های سالم و کاردان، یکسان است؛ علم و آگاهی خداوند ضامن تأمین روزی موجودات است (قرائتی، تفسیر نور، ج ۷، ص ۱۶۵). قرآن می‌گوید غم روزی را نخورید و تنگ دلت و اسارت را نپذیرید، روزی‌رسان خدا است، نه تنها شما که "بسیارند جنبندگانی که حتی نمی‌توانند روزی خود را حمل کنند و هرگز ذخیره غذایی در لانه خود ندارند و هر روز نو، روزی نو می‌خواهند، اما خدا آنها را گرسنه نمی‌گذارد و روزی می‌دهد و همو شما را نیز روزی می‌بخشد"؛ در میان جنبندگان و حیوانات و حشرات گذشته از انسان انواع کمی هستند که همچون مورچگان و زنبوران عسل مواد غذایی خود را از صحرا و بیابان به سوی لانه حمل و ذخیره می‌کنند و غالباً "گنجشک روزی" هستند، یعنی هر روز جدید باید به دنبال روزی تازه‌ای بروند و میلیون‌ها میلیون از آنها در اطراف ما در نقاط دور و نزدیک، در بیابانها و اعماق دره‌ها و بر فراز کوه‌ها و درون دریاها وجود دارند که همه از خوان نعمت بیدریغش روزی می‌خورند. و تو ای انسان که از آنها برای به دست آوردن روزی و ذخیره کردن باهوش و تواناتری، چرا این چنین از ترس قطع روزی به زندگی آلوده و ننگین چسبیده‌ای؟ (تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۳۲).

و زیر بار هر ظلم و ستم و خواری و مذلّت می‌روی؟ تو هم از درون این محدوده زندگی تنگ و تاریک خود بیرون آی و بر سر سفره گسترده پروردگارت بنشین و غم روزی مخور! در آن روز که به صورت جنین ضعیف و ناتوانی در شکم مادر محبوس بودی و هیچکس حتی پدر و مادر مهربانت به تو دسترسی نداشتند، پروردگارت تو را فراموش نکرد و آنچه را نیاز داشتی دقیقاً در اختیار تو گذاشت، امروز که موجودی توانا و نیرومندی و از آنجا که رسانیدن روزی به نیازمندان فرع آگاهی از وجود و نیازشان است، در پایان آیه تأکیدی می‌کند: "او است شنوا و دانا"؛ سخن

همه شما را می‌شنود و حتی زبان شما و همه جنبندگان را می‌داند، از نیازهای همه بخوبی با خبر است و چیزی از دایره علم بی‌پایان او پنهان نیست. (همان، ص ۳۳۳).

۲- **سوره شوری، آیه ۱۹:** «اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يُرْزَقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ؛ خداوند نسبت به بندگانش با مهر و لطف رفتار می‌کند، هر که را بخواهد (و صلاح بداند) روزی می‌دهد و اوست توانای غالب».

و منظور از "رزق" تنها مادیات نیست، بلکه اعم از آن و از موهبت‌های معنوی و دینی است، که بعضی از بندگان خود را که می‌خواهد از آن موهبت برخوردار می‌سازد. (طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۸، ص ۵۷)

۳- **سوره هود، آیه ۶:** «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ؛ و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر آنکه روزی او بر خداست و او قرارگاه دائمی و جایگاه موقت او را می‌داند. همه در کتاب آشکاری ثبت است».

و این معنا، یعنی یادآوری رزق تمامی جنبنده‌ها و اینکه خدای تعالی ضامن آن می‌باشد، برای این است که سعه علم خدا و آگاهی‌اش به همه حالات جنبندگان را اثبات کند..... کل جنبنده‌هایی که در زمین هستند، رزقشان بر عهده خدای تعالی است- و هرگز بدون رزق نمی‌مانند- پس خدای تعالی دانا و با خبر از احوال آنها است، هر جا که باشند..... خدای تعالی آگاه به حال هر جنبنده‌ای است که در پهنای زمین زندگی می‌کند (در آن واحد ناظر احوال و برآورده حاجت میلیاردها جنبنده است که در هوا و روی زمین و زیر زمین و در شکم مادران هستند) و چگونه چنین نباشد با اینکه رزق آنها به عهده آن جناب است و معلوم است که رزق وقتی به روزی خوار می‌رسد که روزی دهنده آگاه به حاجت او و با خبر از وضع او و مطلع از محل زندگی او باشد، چه محل زندگی موقت و چه محل زندگی دائمی‌اش (طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۰، ص ۲۲۰).

۴- **سوره طلاق، آیه ۳-۲:** «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا - وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا؛ و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد و هر کس بر خدا توکل کند، او برایش کافی است. همانا خداوند کار خود را محقق می‌سازد. همانا خداوند برای هر چیز اندازه‌ای قرار داده است».

مؤمن این ترس را به خود راه ندهد که اگر از خدا بترسد و حدود او را محترم بشمارد و به این جهت از آن محرمات کام نگیرد، خوشی زندگیش تامین نشود و به تنگی معیشت دچار گردد،

نه، اینطور نیست، برای اینکه رزق از ناحیه خدای تعالی ضمانت شده و خدا قادر است که از عهده ضمانت خود بر آید. (طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۹، ص ۵۲۶). خداوند ضمانت کرده که هر کس توکل کند، در نمی ماند و خداوند قادر بر انجام این ضمانت است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۳۸).

۵-سوره سبأ، آیه ۳۹: «قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ؛ بگو: بدون شک، پروردگارم برای هر کس از بندگان که بخواهد روزی را گشایش می دهد و یا برای او تنگ (و محدود) می گرداند و هر چه را (در راه او) انفاق کردید، پس او (عوضش را) جایگزین می کند و او بهترین روزی دهندگان است».

پروردگار من روزی را برای هر کس از بندگان بخواهد، گسترده یا محدود می کند....تعبیر به "عباد" (بندگان) در آیه مورد بحث نشان می دهد که ناظر به مؤمنان است، یعنی حتی در مورد مؤمنان گاه روزی را گسترده می کند- آنجا که صلاح مؤمن باشد- و گاه روزی را تنگ و محدود می سازد- آنجا که مصلحتش ایجاب کند و به هر حال وسعت و تنگی معیشت دلیل بر هیچ چیزی نمی تواند باشد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۱۱۷).

در این آیات به روشنی مشخص است که روزی دهنده خداوند است و هرکسی را بخواهد وسعت روزی و هرکسی را بخواهد تنگی معیشت قرار می دهد و همچنین روشن است که همه بندگان را در هر کجا باشند، روزی خواهد داد. لذا فرزندآوری مورد تأیید آیات قرار گرفته و مشکلات اقتصادی نمی تواند مانع جلوگیری از فرزندآوری شود.

گروه ششم: آیاتی که تاکید بر فراهم شدن زمینه ازدواج و فرزنددار شدن دارد
دسته دیگری از آیات به مقدمه فرزندآوری اشاره دارد و به نوعی تأیید آن می باشد. در اینجا به برخی از آن اشاره خواهیم کرد:

۱-سوره نور، آیه ۳۲: «وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح را، اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد. خداوند گشایش دهنده و آگاه است».

در این آیه به ازدواج اشاره کرده است؛ در تفسیر نور آمده است: بقای نسل بشر در گرو ازدواج و زناشویی است و در اسلام امر تربیت نسل یکی از وظایف والدین شمرده شده که در قیامت مورد بازخواست قرار می گیرد. (قرائتی، تفسیر نور، ج ۶، ص ۱۷۸).

وعده جمیل و نیکویی است که خدای تعالی داده، مبنی بر اینکه از فقر نترسند که خدا ایشان را بی نیاز می‌کند و وسعت رزق می‌دهد (طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۵، ص ۱۵۷).

۲-سوره روم، آیه ۲۱؛ «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ و از نشانه های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

دیگر از نشانه‌های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید، تا در کنار آنها آرامش بیابید (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۹۲).

به ازدواج و آرامش حاصل از آن اشاره که در واقع فرزندآوری را نیز تأیید کرده است و شاید یکی از عوامل آرامش نیز فرزندآوری باشد.

۳-سوره نساء، آیه ۳؛ «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا»؛ و اگر می‌ترسید که [به هنگام ازدواج با دختران یتیم] عدالت را رعایت نکنید [از ازدواج با آنان چشم پوشی کنید و] با زنان پاک [دیگر] ازدواج کنید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را [در باره همسران متعدد] رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید و یا از زنانی که مالک آنها باشید، استفاده کنید. این کار از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می‌کند.

صدر و ذیل آیه هر دو در باره ازدواج است. منتها در آغاز آیه می‌گوید: اگر نمی‌توانید ازدواج با یتیمان را با اصول عدالت بیامیزید، چه بهتر که از آن صرف نظر کنید، سپس به سراغ زنان غیر یتیم بروید. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۵۳).

این آیات نیز به مقدمه فرزندآوری ازدواج اشاره کرده و در واقع به نوعی تأیید فرزندآوری است.

نتیجه‌گیری:

از نتایج پژوهش حاضر این است که ۲۴ آیه قرآن در ۶ دسته موضوعی به صورت مستقیم و غیر مستقیم به فرزندآوری و ممدوح بودن آن در همه برهه‌های زمان اشاره کرده است. نگارنده بر این باور است که فرزندآوری همواره ممدوح و هیچ موقع مذموم نبوده و نخواهد بود.

۶ گروه از آیات قرآن کریم که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به افزایش جمعیت اشاره و آن را تأیید می‌کند، عبارتند از:

- ۱- آیاتی که فقر و بی‌بضاعتی افراد را مانع داشتن فرزند نمی‌داند.
- ۲- آیاتی که پیامبران الهی از خداوند طلب فرزند می‌کنند.
- ۳- آیاتی که فرزندان را مایه قدرت و اقتدار می‌داند.
- ۴- آیاتی که فرزندان را موهبتی الهی برای والدین می‌داند.
- ۵- آیاتی که بیانگر این نکته است که خداوند رزاق است نه انسان‌ها.
- ۶- آیاتی که تأکید بر فراهم شدن زمینه ازدواج و فرزنددار شدن دارد.

منابع:

- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۰)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه علی کرمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، چ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مکارم شیرازی و دیگران، ناصر (۱۳۶۲)، *تفسیر نمونه*، چ هیجدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- حسینی همدانی، سید محمدحسن. (۱۴۰۴ق). *انوار درخشان*. تهران: کتاب‌فروشی لطفی
- دهقان ده جمالی، حسن (۱۳۹۶)، مقاله فرزندآوری و افزایش جمعیت از منظر قرآن کریم و اهل بیت، فصلنامه مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی، شماره ۲۹، ص ۱۴۷-۱۷۰.